



تبیین طرح و احیای مفاهیم دینی سیاسی در دعا و شعر امام سجاد (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۹

سعید توفیق^۱؛ وجیهه میری^۲؛ سید جواد عابدی شهری^۳

چکیده

بعد از واقعه کربلا، امام علی بن الحسین (علیه السلام) تحت نظر و هدف سوءظن امویان بود. از این رو، در نگاه اول به نظر می‌رسد امام با التزام به اصل تقیه، از مبارزه با طاغوت به کلی دست کشیده باشد، اما با دقت نظر در سیره ایشان روشن می‌شود که نه تنها آن حضرت در اوضاع تهدید و سرکوب، از مبارزه با حاکمیت متغلب امویان دست برنداشت، بلکه باید از ایشان به عنوان «باعث الإسلام من جدید» نام برد. بر این اساس، دو پرسش بایسته تأمل است:

۱. امام سجاد (علیه السلام) پس از بازگشت از اسارت و اقامت در مدینه، از چه روشی برای مبارزه علیه امویان سود جست؟

۲. امام سجاد (علیه السلام) در پی طرح و احیای کدام مفاهیم دینی و سیاسی بوده است؟

یافته‌های این مقاله بر اساس شیوه توصیفی تحلیلی حاکی است که امام پس از پایان اسارت و اقامت در مدینه برای مبارزه ضد امویان، در پوشش تقیه، روش دعا و شعر را برگزید و کوشید مسائل دینی و سیاسی خاصی همچون معادگرایی، امامت و رسالت امام، منزلت امام، غصب خلافت، ابلاغ پیام کربلا و اضطراب خویش را طرح و بازتولید کند. امام کوشید از رهگذر مبارزه منفی، یعنی بیدار کردن مردم و اهتمام بر رسوایی باطل، حقیقت را نمایان سازد.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد (علیه السلام)، مبارزه سیاسی، دعا، شعر، مفاهیم دینی سیاسی.

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ تشیع، دانشگاه اصفهان: tofigh_saeed@yahoo.com

۲. محقق پسادکتری، گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول): miri@mailfa.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع، دانشگاه اصفهان: sjash2011@yahoo.com

۱. مقدمه

با شهادت حسین بن علی (علیه السلام)، رسالت امامت بر اساس نص نبوی بر عهده علی بن الحسین (علیه السلام) نهاده شد (المفید، ۱۴۱۳ق. «الف»: ۱۳۸)؛ از این رو نه تنها پیگیری جریان مبارزه نیاکان معصوم امام سجاد (علیه السلام) در تلاش برای استقرار حق از وظایف ایشان تلقی می‌شد، بلکه مسئولیت خطیر ابلاغ پیام کربلا و به جریان انداختن خون شهید کربلا، در رگ‌های تاریخ از اهم تکالیف امام بود. با وجود این، در نگاه اول دو مسئله کاملاً اساسی، کناره‌گیری امام سجاد را از مبارزه سیاسی به ذهن متبادر می‌سازد: نخست اینکه بعد از واقعه کربلا، امام تحت نظر و مورد سوء ظن شدید امویان بود. از این رو مبارزه سیاسی ناممکن به نظر می‌رسد. دوم، در پی همین زیر نظر گرفتن‌های امام، التزام ایشان به اصل تقیه ضروری می‌نمود که در نتیجه آن، امام ناگزیر باید دست از مبارزه می‌کشید.

شرایط امام در مبارزه سیاسی به حدی دشوار بود که آن حضرت وخامت اوضاع معیشت خود را چنین تحلیل می‌کرد: ما در شرایط فعلی همانند بنی اسرائیل که در حاکمیت فرعون به رنج و مصیبت مبتلا بودند، گرفتاریم. مردانمان را می‌کشند و زنانمان را باقی می‌گذارند و با سب جد ما علی بر سر منابر به دشمنان ما نزدیکی می‌جویند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۱۷۰؛ سبط ابن الجوزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۳۹۸). امام در مقام التزام به تقیه، ناگزیر از شرکت در نماز جمعه حاکمان جور بود، اما خود را بریء الذمه نمی‌دانست و نماز ظهر خود را اعاده می‌نمود (القاضی نعمان، ج ۱: ۱۸۲).

با عنایت به آنچه گذشت روشن می‌شود که امام سجاد در وضعیتی به‌غایت حساس و خطیر قرار داشت. گرچه در نگاه اول ممکن است چنین به نظر برسد که امام در انزوا، روزگار به تعبّد و تهجد گذرانده باشد، اما با تدقیق در حیات ایشان روشن می‌شود که نه تنها امام در شرایط تهدید و سرکوب، از مبارزه با حاکمیت متغلب امویان دست برنداشت، بلکه باید از ایشان به «باعث الإسلام من جدید» نام برد (العالمی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۷۷).

۱. «أصبحنا في قومنا بمنزلة بني إسرائيل في آل فرعون يذبون أبناءهم و يستحيون نساءهم، و أصبح شيخنا و سيدنا يتقرب إلى عدونا بستمه أو سبه على المنابر» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۱۷۰؛ سبط ابن الجوزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۳۹۸).

ایشان کوشید در تنگنای واقعیت التزام به تقیه و هدف مبارزه سیاسی، نه تنها تمامیت تفکر شیعی را با سپر تقیه حفظ نماید، بلکه در میان مسلمانان حضوری بیدارگر و مؤثر داشته باشد. بر این اساس، پیش کشیدن دو پرسش زیر شایسته کاوش تاریخی است که پژوهش پیش رو سعی دارد به شیوه توصیفی تحلیلی به آن پاسخ گوید:

۱. امام سجاد پس از پایان اسارت و اقامت در مدینه، از چه روشی برای مبارزه علیه امویان سود جست؟

۲. امام سجاد در پی طرح و احیای کدام مفاهیم دینی و سیاسی بوده است؟

با توجه به آنچه در بیان مسئله ذکر شد و دقت نظر در مطالعات اخیر که در زمینه بررسی حیات زندگی امام سجاد صورت گرفته است، روشن می شود کمتر پژوهشی تلاش امام سجاد را در طرح مسائل سیاسی دینی از رهگذر دعا و شعر در مواردی نظیر معادگرایی، امامت، منزلت امام، غصب خلافت، ابلاغ پیام کربلا و اضطراب خویش بررسی کرده است. با وجود این، می توان از میان مهم ترین کتب و مقالات پژوهشی معاصر که نیم نگاهی به مطالعه چگونگی مبارزه سیاسی امام سجاد داشته اند، به موارد زیر اشاره کرد:

فی رحاب أئمة أهل البيت: سید محسن امین (۱۴۱۲ق) در این مجموعه گران سنگ به زندگی ائمه معصومین (ع) پرداخته است. وی در خصوص مبارزه سیاسی امام سجاد (ع) علیه امویان حرفی به میان نیاورده، به صورت گذرا به فصاحت، شجاعت و سوگواری ایشان، آن هم نه به عنوان معرفی روش مقابله آن حضرت با بنی امیه، اشاره کرده است. حیاة الإمام زین العابدین، دراسة و تحلیل: نوشته باقر شریف القرشی (۱۴۰۹ق) است. ارزش پژوهش های علمی قرشی در حوزه تاریخ تشیع بر کسی پوشیده نیست. ایشان در جلد دوم این کتاب ذیل عنوان کلی «عصر الإمام» به بررسی موضع گیری های امام در برابر جریان حاکم می پردازد، اما مطلوب ما را در طرح مسائل دینی سیاسی توسط امام در جامعه تأمین نکرده است. الإمام السجاد جهاد و أمجاد: اثر حسین الحاج حسن (بی تا)، تحقیقی است ارزنده که برنده جایزه مسابقه تألیفات علمی با موضوع امام سجاد (ع) است. وی در دو محور حیات سیاسی و سیره امام به بررسی موضع گیری های ایشان در

برابر جریان حاکم پرداخته است. به نظر می‌رسد نویسنده در تألیف خویش از دستاوردهای تحقیقی القرشی تأثیر پذیرفته باشد؛ از این رو در طرح مسائل دینی سیاسی توسط امام، عمیق نشده است. تاریخ اسلامی، دروس و غیر: نوشته محمد تقی مدرسی (۱۴۲۵ ق)، نگارنده در بررسی تلاش ظلم‌ستیزی امام در مبارزه با امویان، بر این باور است که امام با دمیدن روح دیانت در جامعه، کوشید جامعه را در رهایی از ظلم بیدار سازد، اما در اینکه امام به طرح چه مفاهیمی همت گمارده است، نپرداخته است. امام سجاد جمال نیایشگران: نگارش احمد ترابی (۱۳۷۳)، پژوهشی دقیق در خصوص حیات امام است. در فصول پنج‌گانه کتاب گهگاه به شیوه امام در افشاگری علیه حاکمان ناصالح پرداخته، اما مبارزه منفی امام را به صورت منسجم بررسی نکرده است. زندگانی علی بن الحسین: تألیف سید جعفر شهیدی (۱۳۷۱)، اثری روان و نیکوست، اما شهیدی به تبیین مبسوط روش‌های مبارزه سیاسی امام نپرداخته است. حیات فکری سیاسی امامان شیعه: از رسول جعفریان (۱۳۹۰). نگارنده در معرفی مسائل دینی سیاسی مورد توجه امام در روند مبارزه سیاسی، تنها به دو مسئله توحید و امامت توجه کرده و به دیگر مسائل طرح شده توسط امام توجه نکرده است.

در حوزه مقالات پژوهشی، می‌توان از مقاله الإمام السجاد باعث الإسلام من جدید نام برد که در جلد نخست کتاب دراسات و بحوث فی التاريخ و الإسلام: اثر سید جعفر مرتضی عاملی (۱۴۰۹ ق) چاپ شده است. سید جعفر در این مقاله به صورت مختصر به تحلیل عالمانه اوضاع سیاسی اجتماعی عصر امام می‌پردازد و در نهایت، تلاش آن حضرت در احیای مجدد اسلام را معادل تلاش رسول خدا ﷺ در تبلیغ اسلام ارزیابی می‌نماید. با وجود این، سید مرتضی از مفاهیم دینی و سیاسی که امام در مبارزه خود احیا کرد، بحثی به میان نکشیده است. در همین زمینه، مقاله‌ای از گلبرگ با عنوان امام علی بن الحسین، زین العابدین در کتاب تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام (۱۳۸۵) نیز قابل ذکر است که سیاست آن حضرت را پس از واقعه عاشورا مبتنی بر سکوت و روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه با خلفای اموی تحلیل می‌نماید که در تضاد با نوشتار حاضر است. ضعف این مقاله را می‌توان تکیه بر مصادر اهل سنت و توجه نکردن به آثار علمای شیعه دانست.

۲. یافته‌های تحقیق

قبل از بررسی تلاش امام سجاد در طرح و احیای مفاهیم دینی سیاسی در روش دعا و شعر در مقام مبارزه سیاسی علیه حاکمیت بنی امیه، ضروری می‌نماید در بررسی چگونگی اوضاع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی پیش روی امام نیز تأملی مختصر داشته باشیم تا اهمیت و ارزش بیدارگری دینی و سیاسی امام بهتر روشن شود.

۲-۱. اوضاع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی پیش روی امام (علیه السلام)

پس از شهادت امام حسین، یکی از نخستین حیرت‌ها در درون جامعه شیعی رخ نمود. بخش اعظمی از این گروه در نتیجه همین حیرت به اهل سنت پیوستند (نوبختی، ۱۳۵۵ق: ۲۶)، اما بخشی دیگر همچنان در جریان شیعی ماندند، هر چند در این بخش بر سر جانشینی امام حسین انشعاب رخ داد و گروهی به امامت محمد بن حنفیه و از آن پس فرزند او گرویدند. گروهی از استمرار امامت در نسل امام حسین طرفداری کردند و شیعه‌ای را که بعدها زبیده و نیز اثنا عشر از آن میان برخاست تداوم بخشیدند و گروهی دیگر هم توقف کردند (همان: ۵۴).

امام سجاد بعد از کشتار مردم مدینه در واقعه خَزّه، در ساحت اجتماع با فضایی روبه‌رو شد که روشن‌ترین نشان آن چیزی جز برپایی مجالس رقص و آواز به خوانندگی مشهورترین خنیاگران زن و مرد نبود و بسا این محافل مختلط برگزار می‌گردید (الحاج حسن: ۲۹؛ فرّوخ، ۲۰۰۶، ج ۱: ۳۵۵). مجالس بزم و طرب در مدینه النبوی به‌میزانی گسترش یافت که این شهر، مرکزی برای رقاصان و آوازخوانان زن و مرد از شهرهای مختلف گردید؛ آن‌گونه که ابویوسف القاضی آنان را سرزنش نمود (ابن عبد ربّه، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۱۲)؛ از این‌رو در مدینه نه عالم آنان و نه پارسای ایشان از آن روی گردان نبود (ابوالفرج الإصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۳۷۹) و تو گویی مکه و مدینه را برای غنا ساخته بودند (ضیف، ۱۹۶۳ق، ج ۲: ۳۴۷).

به نظر می‌رسد وضعیت هنجارشکسته جامعه مدینه برآیند دو موضوع است: نخست، می‌توان گفت پرداختن مردم مدینه بدین منکرات بدان جهت بود که آنان می‌خواستند

خود را از رنج درون که زابیده تجاوز شامیان به نوامیس شان بود یا از آنچه در پیرامون شان می گذشت بی خبر نگه دارند (شهیدی، ۱۳۷۱: ۱۰۳)؛ دوم، دور از نظر نیست که هدف اساسی امویان از گسیل کردن دخترکان جوان آوازه خوان و گسترش باده گساری و غنا در مدینه النبوی، و تقبل پرداخت هزینة صنف مطربان و اهدای جوایز به ایشان از بیت المال اسلام، سرگرم نمودن مردم خصوصاً جوانان به این محافل و دور ساختن آنان از پرداختن به مسائل سیاسی و خلافت بود (الحاج حسن، بی تا: ۲۸، ۳۱؛ فرّوخ، ۲۰۰۶، ج ۱: ۳۵۴). تحلیل دقیق مردم شناسانه امام سجاد از حجازیان با تعبیر «در مکه و مدینه بیست نفر وجود ندارند که ما را دوست داشته باشند» (ثقفی کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۹۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۱۰۴)، ناظر به سیاست امویان در جذب قلوب حجازیان هوادار خویش با ارتقای معیشت دنیوی آنان به وسیله صدقات دریافتی و فروپاشیدگی نظام اعتقادی اخلاقی آنان دارد که زندگی اخروی را از یاد برده اند.

در پی انحطاط نظام اعتقادی، انحطاط اخلاقی ادبیات و شعر نیز دور از انتظار نبود. شعر در عصر اموی در أسلوب و بسیاری از مفاهیم خویش به شعر دوران جاهلی شباهت فراوانی یافت. آن گونه که در خدمت سیاست تعصبات حزبی قرار گرفت. شعر، خطابه، ترّسل (نامه نگاری) و روایت گویی (داستان سُرایی) از مصادیق ادبیات دوران بنی امیه بود. روشن شد که شعر و خطابه تا حد زیادی در فضای جاهلی باقی ماند، ترّسل دوران نوگرایی و تعیین کم و کیف خود را سپری می کرد و داستان سُرایی نیز بیشتر در خدمت نقل اخبار دوران جاهلیت قرار داشت. در میان مصادیق ادبیات دوران اموی، شعر، برجسته ترین فن از فنون ادبی و پهن ترین گستره سخن پردازی را به خود اختصاص داده بود (فرّوخ، ۲۰۰۶، ج ۱: ۳۶۰).

در عصر امام، مجالس بزم و طرب در مدینه، مایه دوستی و ارتباط زنان و مردان با یکدیگر شد. در نتیجه، شاعران به خواست زنان، در وصف ایشان شعر سرودند (همان: ۳۵۵). شعر بیش از آن که در خدمت اخلاق متعالی اسلام باشد، در خدمت هوس های نفسانی قرار گرفت. در شام نیز خلفای اموی با پرداخت صله های هنگفت به شاعران، اندیشه و زبان شان را یکسره در اختیار خود داشتند. برای نمونه الأحوص شاعر دربار اموی،

یکبار از ایشان صد هزار درهم (ابوالفرج الإصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۹: ۱۱۸) و باری دیگر ۱۰ هزار دینار (همان: ۸) وصول کرد. آن گونه که خود در شعرش بیان می کند ثروت کلان وی نه حاصل تجارت و نه میراث بوده، بلکه بخشش امویان بدوست (همان). الأخطل نیز دیگر شاعر دربار اموی و شاعر مخصوص عبدالملک بن مروان است که حجاج بن یوسف ثقفی سفاک را در قصیده «نور أضاء البلاد» ستود (الحاج حسن، بی تا: ۲۷).

در این اوضاع نابسامان اجتماعی که امام جهادی طاقت فرسا برای اصلاح انحرافات برآمده، پیش رو داشت، ظهور جریان غلو، بر شدت وخامت اوضاع افزود. جریان غلو با بیان و انتشار باورهای خودساخته، به دشمنان و مخالفان جریان اعتدالی شیعه و به ویژه امویان برای تضعیف موقعیت امام سجاد بهانه دادند تا با طرح عقاید غلات و انتساب آن عقاید به شیعه، چهره شیعه را زشت و زننده نشان دهند و همگان را از آن منزجر و متنفر سازند. امام سجاد (ع) به صراحت از اینکه جریان غلو، بهانه به دست دشمنان اهل بیت داده است پرده برداشت و فرمود: «افراط در محبت شما نسبت به ما، سبب عیب جویی از ما شده است» (المفید، ۱۴۱۳ق «الف»، ج ۲: ۱۴۱).

در این اوضاع نابسامان اجتماعی، فرهنگی و مذهبی که تمام تلاش امویان منحرف ساختن مسلمانان از جریان اعتدالی تشیع بود، آن گونه که در شرایط موجود تصور نابودی اساس تشیع می رفت، ضروری بود که امام فعالیت تبلیغی و ترویجی اسلام را از نو شروع می کرد و مردم را به سمت اهل بیت متمایل می ساخت، آن گونه که در این جهاد به موفقیت های چشمگیری دست یافت و اسلام را از نو احیا کرد (العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۸۵).

۲-۲. نمودها و روش های مبارزه سیاسی امام سجاد (ع) در مدینه

اگرچه امام پس از پایان اسارت و اقامت در مدینه، روزگاری را که نشانه نرزش و مدارای خلفای اموی با ایشان بود، شروع کرد (العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۸۶؛ الحسنی، ۱۴۱۰ق: ۳۱۶؛ الحسینی الجلالی، ۱۴۱۳ق: ۷۰؛ محمد جعفری، ۱۳۷۴: ۲۷۸)، اما حقیقت آن است که امویان در نتیجه فشار افکار عمومی، صرفاً از ظلم آشکار خود به اهل بیت صرف نظر

کردند (الأمین، ۱۴۲۶ق: ۳۲۸). از این رو امام با التزام کامل به تقیه^۲ کوشید مبارزه خویش را در روش دعا و شعر سامان دهد.^۳ امام در مقام یک مؤحد ظلم‌ستیز، در سخت‌ترین شرایط و با وجود تمام محدودیت‌هایی که بنی‌امیه برای ایشان به وجود آوردند، با آنکه در ساحت زندگی اجتماعی برایشان راهی جز تمسک به اصل تقیه نبود، دست از مبارزه نکشید.^۴ بدیهی است که شیوه مبارزه ایشان به خاطر اوضاع و شرایط موجود، با شیوه مبارزه پدر بزرگوارشان متفاوت باشد. امام سجاد به شیعیان آموخت، زمانی که در جهاد با ظلم و فساد، شرایط سلاح برداشتن و جهاد نمودن مهیا نیست، باید با آگاه کردن مردم و تلاش برای رسوایی باطل در راستای استقرار حاکمیت حق بر زمین کوشید.

۲-۲-۱. دعا

بی‌تردید دلدادگی امام در کثرت مناجات با ذات اقدس حضرت اله، قبل از هر مقصود سیاسی، ریشه در مُحکّمات و حیانی دارد: «قُلْ مَا يَعبُوْا بَکُم رَبِّي لَوْلَا دَعَاؤُکُمْ» (الفرقان، ۷۷). نیایش‌های امام، اهداف خاصی را تحقق بخشیدند، بارزترین آن‌ها، آموزش ادب و روش سخن گفتن و تضرع مردمان با خدای متعال بود. روشن است یکی از اهداف امام در انشای ادعیه، روشنگری و بصیرت‌افزایی سیاسی به خلق خدا بود. امام به‌عنوان یک

۲. ناگفته نماند که امام سجاد چنان به اصل تقیه پایبند بود که بعضی از محققان اهل سنت، امام را سنت‌گذار «تقیه» برای شیعیان معرفی می‌نمایند (النشار، ۱۹۹۷، ج ۲: ۱۱۰) اما نظر این محقق، در خصوص اینکه امام سجاد را سنت‌گذار تقیه برای شیعیان می‌داند، نادرست است. چه افزون بر آنکه تقیه در سالیان نخست ظهور اسلام، در کلام وحی به‌عنوان یک اصل شناخته شد (النحل، ۱۰۶: آل عمران، ۲۸)، پس از پایان حیات حضرت رسول، امیرالمؤمنین بیشترین سفارش را به شیعیان در خصوص مراعات اصل تقیه برای حفظ جان آنان نمود (نهج البلاغه، خطبه: ۵۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۱۹).

۳. ناگفته نماند که یکی از روش‌های مبارزه امام سجاد ضد بنی‌امیه در روش اهتمام آن حضرت به تصحیح و تعدیل آموزه‌های مکتبی بود. گرچه امام سجاد تعدیل و تصحیح اعتقادات مسلمانان به ویژه شیعیان را از نخستین و مهم‌ترین وظایف خود می‌دانست، چرا که ائمه به تمامی وصایای جَدشان رسول خدا پایبند بودند. از این رو امام سجاد نیز توصیه حضرت رسول به امام علی (علیه السلام) در خصوص هدایت مردم در روز جنگ خیبر نصب العین قرار داده بود (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۱۸۵؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۴۰۷؛ المقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۲۸۶)؛ اما اهمیت این موضوع برای امام به سبب ظهور جریان غلو در بطن تشیع و سوء استفاده امویان و مخالفان امام از افراط غالبان در تخریب و تضعیف تشیع، مضاعف شد. از این رو امام در واکنش به جریان غلو عراق، اولاً به منظور تعدیل و تصحیح باورهای مکتبی و ثانیاً خنثی ساختن تبلیغات امویان در تخریب مکتب علوی، کوشید جو تبلیغات غالبان را بشکند و از غلو به اعتدال وارد (الجاحظ، ۱۴۲۴ق، ج ۵: ۲۴۱).

مصادر با اختلاف لفظی اندکی، هشدار امام به غلات عراق و از اعتبار انداختن افراط آنان را چنین ضبط نموده‌اند: ای مردم عراق ما را بر اساس قانون اسلام دوست بدارید نه همچون دوست داشتن بتها، افراط شما مایه وهن ما گردید (المفید، ۱۴۱۳ق «الف»، ج ۲: ۱۴۱؛ ذهبی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۳۹۰-۳۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۲۴۲). امام همچنین گروهی از شیعیان را به یهودیان و نصاری تشبیه کرد که بر اثر محبت فراوان، غزیر و عیسی را پسر خدا دانستند (الکشی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۳۶).

۴. برای نمونه امام در مقام التزام به تقیه، در نماز جمعه حاکمان جور شرکت می‌کرد اما خود را بری‌الذمه نمی‌دانست، نماز ظهر خود را اعاده می‌نمود (القاضی نعمان، ج ۱: ۱۸۲).

انقلابی خداجو، نه تنها از مبارزه با طاغوت و فساد دست برداشت، بلکه با نیایش هایی که دستگاه حکومتی نمی توانست او را از آن ها منع کند، به مبارزه منفی که همان آگاهی بخشیدن به مردم بود، با امویان پرداخت (المدرسی، ۱۴۳۱ق: ۶۵).

هنگامی که جامعه دچار انحراف شد، روحیه رفاه طلبی و دنیازدگی بر آن غلبه یافت و فساد سیاسی، اخلاقی و اجتماعی آن را محاصره کرد و از نظر سیاسی هیچ روزنه ای برای تنفس وجود نداشت، امام سجاد توانست از دعا برای بیان بخشی از عقاید خود استفاده کند. با توجه به تعابیری که در مناجات امام وجود دارد، می توان گفت که مردم می توانستند از لابه لای این تعبیرات با مفاهیم سیاسی مد نظر امام آشنا شوند (جعفریان، ۱۳۹۰: ۳۱۹).

دعاهای مزبور نه تنها در میان شیعیان، بلکه در میان اهل سنت نیز وجود داشت (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۱۸۷-۱۷۸) و این حاکی از دو موضوع است: نخست، دعاهای امام در جامعه آن روز نفوذ کرده بود (جعفریان، ۱۳۹۰: ۳۱۹)؛ دوم، از یکسو با توجه به این که برای امام، در اوضاع تهدید و سرکوب، کمترین مجال تربیت دینی مسلمانان از رهگذر برپایی مجالس درس و بحث وجود نداشت و از سوی دیگر مناجات امام در بین مسلمانان نفوذ و انتشار یافته بود، می توان گفت ایشان در انجام رسالت تربیتی خود در حوزه های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و روحانی، نوعی آموزش از راه دور را گنجانده؛ به گونه ای که این نوع آموزش نیز به نوبه خود در راستای مبارزه منفی امام قابل تحلیل است.

۲-۲-۲. شعر

اُمه در مبارزه با حکومت های ظالم و غاصب که شاعران خود فروخته را به خود نزدیک می کردند، به شعر و شاعران مکتبی عنایتی خاص داشتند (العطار، ۱۴۳۶ق: ۱۷). حضرات معصومین نه تنها در سرودن شعر، بر خلاف رسول خدا، منعی نداشتند، بلکه خودشان نیز شاعر بودند. توجه خاص اُمه به شعر به چند دلیل بوده است؛ نخست، شعر تأثیر عمیق تری بر شنونده و مخاطب دارد، به طبع خوش تر و در عین شیوایی از انسجام بیشتری در انتقال معانی برخوردار است. دوم، قوم عرب در تاریخ حیات خود اُنس و گرایش بیشتری به شعر داشتند. سوم، اُمه نه بخاطر نقص و نارسایی نثر در بیان مقاصد، بلکه

به منظور استوارسازی آموزه‌های اسلامی در روان مخاطب، به شعر و سرودن آن اهتمام داشتند (العطار، ۱۴۳۶ق: ۳۰). شعر اهل البیت مملو از زنده ساختن یاد خدای سبحان، آخرت، زوال دنیا و لذت‌های آن، تشویق به تقوا و طاعت خداست (العطیة، ۱۴۲۳ق: ۵).

امام سجاد در اشعار خویش در کنار تمامی آموزه‌های اسلامی، به طرح و احیای مفاهیم سیاسی به منظور مبارزه منفی پرداخت. امام در روزگاری که نگاه ادبیات و شعر به مفاهیم عصر جاهلی زنده گشته و در وادی ابتذال اخلاقی و سیاسی فرو افتاده بود، با اشعار فخیم خود مفاهیم عالی الهی، اخلاقی و سیاسی را به اجتماع بازگرداند. اگرچه برخی شعرا همچون فرزدق (متوفی ۱۱۴) و گمیت (متوفی ۱۲۶) سراینده «الهاشمیات» گاهی برای تأمین مخارج خویش در مدح اُمویان شعر سرودند (فزوخ، ۲۰۰۶، ج ۱: ۶۹۸ و ۶۵۰)، در دفاع از ساحت اهل بیت نیز اشعار زیبنده‌ای سرودند؛ با وجود این، امام سجاد به این میزان اکتفا نکرد و خود نیز در میدان شعر، به روشنگری پرداخت. ^۵ امام کوشید نه تنها خود با سرودن شعر جهت‌دار به مبارزه سیاسی با بنی امیه بپردازد، بلکه اُسوه‌ای باشد برای دوستداران خویش و هر آن کس که بارقه‌ای از ایمان در وجود او می‌درخشد (العطار، ۱۴۳۶ق: ۳۰).

۲-۳. طرح و احیای مفاهیم دینی سیاسی

امام سجاد از رهگذر دعا و شعر موفق به طرح و بازتولید مفاهیم دینی و سیاسی شد. مقصود امام از احیای مضامین مهم دینی و سیاسی در روش‌های مذکور، از یک سو تعقیب سیاست حساسیت‌زایی در مسلمانان، خصوصاً شیعیان بود و از سوی دیگر زمینه را برای فعالیت «صادقین» در تثبیت اصول حقانیت و مشروعیت ائمه در مفهوم خلافت و وراثت پیامبر، مهیا سازد (العاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۸۶). ایشان همچنین با حفظ آرامش و تقیه به همه مسلمانان آموخت، مؤمن پیوسته مجاهد است، در دولت باطل با تقیه و در دولت حق، با شمشیر با دشمنان خدا جهاد می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۴۶۷).

۵. برای اطلاع از دلایل صحت انتساب اشعار به امام سجاد، بنگرید به: بخش «تمهید» الديوان المنسوب إلى الإمام السجاد (العطار، ۱۴۳۶: ۳۰-۳۸).

۲-۳-۱. معادگرایی

روشن است که قرآن سیاست «انذار» را در راستای دو اصل تربیتی یادآوری و عاقبت‌نگری به کار گرفته است؛ از این رو، امام نیز به تأسی از قرآن صامت، برای مهار انحطاط اعتقادی اخلاقی و اقبال مردم در خوش خدمتی به امویان، از سیاست انذار در مبارزه علیه امویان سود جست. امام برای تنبّه مردم از عاقبت خویش و رسیدگی به اعمال‌شان، کوشید یاد مرگ و حساب دقیق آخرت را در جامعه زنده نگاه دارد.

در نظر ایشان بهترین اهرم معنوی در تربیت دینی و اصلاح جامعه هنجارشکسته عصر خویش که روشن‌ترین نشان آن خوار شدن امر به معروف و نهی از منکر بود (العطار، ۱۴۳۶ق: ۱۹۵)، احیای یاد مرگ و حساب در روان و اندیشه مسلمانان بود. از این رو امام در قصاید: «يُحَوَّلُ عَنْ قَرِيبٍ» (همان: ۵۵)، «بَلَّغْتَ الْأَرْبَعِينَ» (همان: ۶۹)، «ذُنُوبِكِ جَمَّةٌ» (همان: ۱۰۹)، و «إِلَى كَمْ تَبْتَغِي الشَّهَوَاتِ» (همان: ۱۱۱)، مرگ و یاد آن را به تصویر می‌کشاند و با شیوایی تمام در قصیده: «إِنَّ الْغَرِيبَ، غَرِيبَ اللَّحْدِ وَالْكَفْنَ» به توصیف سكرات مرگ، غسل، کفن، نماز میت، دفن، سؤالات منکر و نکیر، تقسیم اموال شخص بعد از مرگ می‌پردازد (همان: ۱۷۳-۱۸۰). امام سجاد (علیه السلام) هشدار می‌دهد که زندگی انسان مدت معینی دارد (صحیفه سجادیه، دعای ۱، بند: ۶؛ العطار، ۱۴۳۶ق: ۴۹)، پس از آن با دمیدن اِسرافیل در صور نوبت حشر مردگان می‌شود (همان، دعای ۳، بند: ۲) و خداوند اعمال و اخبار مردمان را با حساب برملا کرده (صحیفه سجادیه، دعای ۱۱، بند: ۴؛ العطار، ۱۴۳۶: ۱۶۹) هر کس به پاداش یا عقاب اعمال خود می‌رسد (صحیفه سجادیه، دعای ۱، بند: ۶؛ دعای ۶، بند: ۷).

حضرت به‌منظور بیدار کردن وجدان خفته چالپوسان و مُتملقانی که برای کسب متاع اندک دنیا جانب حق را فرو گذاشته‌اند (ابن شعبه حُرّانی، ۱۳۸۷: ۴۴۰)، در پیوستن به امویان از یکدیگر سبقت می‌گرفتند، هشدار می‌داد از یک سو سرانجام آنان حرمان از احسان الهی، ناامیدی و ضرر خواهد بود (صحیفه سجادیه، دعای ۱۳، بند: ۱۴؛ دعای ۴۶، بند: ۱۳) و از سوی دیگر میدان حقیقی سبقت از یکدیگر «زهد»

است (العطار، ۱۴۳۶ق: ۱۳۵). در نهایت امام تصریح کرد که مسلمانان باید با بهر مندی از تجربه آزمایش‌های الهی و فتنه‌های فراوان از صدر اسلام تا روزگار ایشان، از بدعت‌گذاران و ستمگران جدید دوری کنند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷: ۴۴۰-۴۴۲).

۲-۳-۲. امامت و رسالت اهل بیت (علیهم السلام)

امام سجاد در تبیین امامت اهل بیت (علیهم السلام) به صورت یک مفهوم شیعی، بر چهار محور تأکید کرد: انتصاب الهی، احق بودن برای تصدی خلافت، عصمت، علم. امام در مناجات خود آشکارا به این مفاهیم پرداخت. آن حضرت در خصوص انتصاب الهی اهل بیت (علیهم السلام) فرمود: خدایا بر پاکان اهل بیت پیامبر که برای خلافت خود انتخاب‌شان فرمودی درود فرست^۶ (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند: ۵۶)؛ خدایا تو در هر زمانی دینت را به وسیله امامی تأیید کردی و او را نشانه‌ای برای بندگانت قرار دادی^۸ (همان، دعای ۴۷، بند: ۶۰)؛ پروردگارا مقام امامت مخصوص خلفای و برگزیدگان توست، آنان که محل امانت تواند، در درجه عالی معرفت و رتبه اعلای تقرب، که تو آن رتبه را بدانان اختصاص دادی^۹ (صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، بند: ۹)؛ خدایا مرا از اهل توحید و ایمان به حضرتت و تصدیق به رسالت پیامبرت قرار ده و پیرو امامانی که اطاعت‌شان را بر ما واجب فرموده‌ای^{۱۰} (همان، دعای ۴۸، بند: ۱۲) و ما را مطیع دستور امامان قرار ده، همان‌گونه که خودت امر فرمودی^{۱۱} (همان، دعای ۴۴، بند: ۵).

درباره صاحب حق بودن ائمه برای تصدی خلافت فرمود: به عنوان جانشینان خود در زمین و حجت‌های خود بر بندگانت برگزیدی^{۱۲} (همان، دعای ۴۷، بند: ۵۶)؛

۶. «أَلَا إِنَّ السَّبَاقَ؛ سَبَاقُ زَهْدٍ / وَ مَا فِي غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ سَبَاقٍ» (العطار، ۱۴۳۶ق: ۱۳۵).

۷. «رَبِّ صَلِّ عَلَي أَطْنَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَحْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند: ۵۶).

۸. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَتَيْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند: ۶۰).

۹. «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لَخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَانِكَ، وَ مَوَاضِعَ أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، بند: ۹).

۱۰. «اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ تَوْحِيدٍ وَ الْإِيمَانِ بِكَ وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ وَ الْأُمَّةِ الَّذِينَ حَتَمَتْ طَاعَتَهُمْ» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، بند: ۱۲).

۱۱. «وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ» (صحیفه سجادیه، دعای ۳۴، بند: ۵).

۱۲. «وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ وَ حُجَجِكَ عَلَي عِبَادِكَ» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند: ۵۶).

پروردگارا مقام امامت مخصوص خلفا و برگزیدگان توست، آنان که محل امانت تواند^{۱۳} (همان، دعای ۴۸، بند: ۹)؛ ائمه دستگیره محکم و معدن پرهیزکاری و بهترین طناب‌های دنیا، محکم ترین آن‌هاست^{۱۴} (الطَّار، ۱۴۳۶: ۱۴۹). درباره عصمت اهل بیت فرمود: و با اراده خود، آنان را از پلیدی و ناپاکی پاک ساختی^{۱۵} (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند: ۵۶)؛ درود فرست بر برگزیدگان خود، حضرت محمد و عترت پاکش که برگزیده از تمام خلق اند^{۱۶} (همان، دعای ۳۴، بند: ۵)؛ درود و تحیت خدا بر محمد و خاندان پاک و مطهرش باد^{۱۷} (همان، دعای ۴۷، بند: ۱۳۳؛ دعای ۴۸، بند: ۳؛ دعای ۵۴، بند: ۹؛ دعای ۲۴، بند: ۱). امام سجاد درباره علم اهل بیت، تصریح کرد که امام علم تفسیر قرآن را از رسول خدا ارث گرفته است^{۱۸} (همان، دعای ۴۲، بند: ۵-۶)؛ و نیز ائمه را مخزن علم الهی معرفی می‌نماید^{۱۹} (همان، دعای ۴۷، بند: ۵۶). حضرت درباره رسالت ائمه فرمود: به وسیله امام کتاب، حدود و شرایع و سنت‌های رسولت را برپا دار و به واسطه او آنچه از نشانه‌های دینت که ستمکاران آن‌ها را نابود کرده‌اند، دوباره احیا کن و توسط او جور و بیداد را از آیینت پاک گردان و به وسیله او سختی‌ها و مشکلات راحت را برطرف ساز و به دست او آنان که از دین تو برگشتند از میان بردار و توسط او، سرکشان کج اندیش را که راه راست تو را منحرف ساختند نابود ساز و او را نسبت به دوستانت نرم گردان و نسبت به دشمنانت دست قدرت او را بگشای^{۲۰} (همان، دعای ۴۷، بند: ۶۳-۶۲).

۱۳. «اللهم إن هذا المقام لخلفاك و أصغياك، و مواضع أمائك في الدرجة الرفيعة التي اختصتهم بها» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، بند: ۹).

۱۴. «هم الغروة الوثقى و هم معدن التقى / و خير حبال العالمين وثيقها» (الطَّار، ۱۴۳۶: ۱۴۹).

۱۵. «و طهرتهم من الرجس و الدنس تطهيرا يارادتك» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند: ۵۶).

۱۶. «و صل على خيرتك اللهم من خلقك، محمد و عترته الصفة من برئتك الطاهرين» (صحیفه سجادیه، دعای ۳۴، بند: ۵).

۱۷. «و صلى الله على محمد و اله الطيبين الطاهرين» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند: ۱۳۳؛ دعای ۴۸، بند: ۳؛ دعای ۵۴، بند: ۹؛ دعای ۲۴، بند: ۱).

۱۸. «اللهم إنك أنزلته على نبيك محمد صلى الله عليه و اله مجملا و ألهمته علم عجائبه مكملا و ورتتنا علمه مفشرا و فضلنا على من جهل علمه و قويتنا عليه لترفعنا فوق من لم يطق حمله، اللهم فكما جعلت قلوبنا له حنلة و عرفتنا برحمتك شرفه و فضله فصل على محمد الخطيبه و على اله الخزان له» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۲، بند: ۵-۶).

۱۹. «و جعلتهم خزنه علمك» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند: ۵۶).

۲۰. «و أقم به كتابك و حدودك و شرائعك و سنن رسولك صلواتك اللهم عليه و اله و أحي به ما أماته الظالمون من معالم دينك و اجل به ضداء الجور عن طريقك و ابن به الضراء من سبيلك و ازل به التاكيب عن صراطك و امح به بقية فصدك عوجا و ابن جانبته لإوليائك و ابسط يده على أعدائك» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند: ۶۳-۶۲).

۲-۳-۳. منزلت اهل بیت (علیهم السلام)

امام سجاد، ائمه را وسیله و باب تقرب به خدا معرفی می‌کند؛ باب و وسیله‌ای که خدای سبحان به اراده خویش، بین خود و خلق قرار داد^{۲۱} (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند ۵۶). امام با این تعبیر خویش، نه تنها برای مسلمانان عصر خود، بلکه برای مسلمانان تمامی اعصار مصداق «الوسيلة» را در آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (المائدة: ۳۵) روشن نمود. آن گونه که خود امام سجاد نیز با واسطه قرار دادن مقام بلند رسول خدا و نورانیت امام علی به خدا تقرب می‌جست^{۲۲} (صحیفه سجادیه، دعای ۴۹، بند: ۱۶).

در روزگاری که سب و لعن امیرالمؤمنین مایه تقرب مردمان به امویان بود، امام بر منزلت «برادری» علی بن ابی طالب با رسول خدا در قصیده: «شَرَّفْتَهُ الْمَنَاقِبُ» انگشت تأکیده نهاد^{۲۳} (العتار، ۱۴۳۶ق: ۵۷)؛ همچنین امام در قصیده «لَنَحْنُ عَلَى الْخَوْضِ» محبت به اهل بیت را مایه رستگاری آخروی معرفی کرد^{۲۴} (همان: ۸۶).

امام سجاد، ائمه را هم‌ردیفان قرآن و چراغ‌های روشنی می‌داند که خداوند به‌وسیله ایشان با بندگان احتجاج می‌کند^{۲۵} (ابن حجر هیثمی: ۱۸۲). ایشان این گونه منزلت ائمه را بیان فرمود: ما امامان مسلمانانیم و حجت‌های خدا بر مردم‌ایم و سروران مومنین هستیم. ما مایه امنیت اهل زمین هستیم همان گونه که ستارگان مایه امنیت اهل آسمان اند و به‌واسطه ما آسمان از سقوط بر زمین بازداشته شده و به‌واسطه ما زمین ساکنان خود را فرو نمی‌کشد و زمین از روز خلقت تا روز آخر حیات از حجت الهی چه شناخته شده چه غایب و پنهان خالی نخواهد ماند و اگر چنین نبود خدا در زمین پرستش

۲۱. «رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْنَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ وَ جَعَلْتَهُمْ حَزَنَةَ عِلْمِكَ وَ حَفْظَةَ دِينِكَ وَ خُلَفَاةَكَ فِي أَرْضِكَ وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ... وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَ الْمَسْلُوكَ إِلَى جَنَّتِكَ» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، بند ۵۶).

۲۲. «لِللَّهِمَّ فَإِنِّي أَنْتَقِرُ إِلَيْكَ بِالْمُخْتَدِيَةِ الرَّفِيعَةِ وَ الْعُلُوِّيَّةِ النَّبِيضَاءِ وَ أَنْتَوَجُّ إِلَيْكَ بِهِمَا» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۹، بند: ۱۶).

۲۳. «وَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ وَ الْحَقُّ قَوْلُهُ / وَ إِنْ رَغِمَتْ مِنْهُمْ أَنْفُ كَوَادِبُ * بِأَنَّكَ مَنِيَّ يَا عَلِيُّ مُوَالِغًا / كَهَارُونَ مِنْ مُوسَى أَخٍ لِي وَ صَاحِبِ» (العتار، ۱۴۳۶: ۵۷).

۲۴. «وَ مَا فَازَ مَنْ فَازَ إِلَّا بِنَا / وَ مَا خَابَ مَنْ حُبَّنَا زَادَهُ» (العتار، ۱۴۳۶: ۸۶).

۲۵. «أَهْلُ الْكِتَابِ وَ أَبْنَاءُ أُمَّةِ الْهَدْيِ وَ مَصَابِيحُ الدُّجَى الَّذِينَ احْتَجَّ اللَّهُ بِهِمْ عَلَى عِبَادِهِ» (ابن حجر هیثمی، بی تا: ۱۸۲).

نمی‌شد^{۲۶} (الفتال النیسابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۹۹؛ الکلینی الرازی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۳۱-۵۳۰).

شاید بتوان غرض امام را در نقل و آموزش مغازی رسول خدا^{۲۷} (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۴۲؛ الصالحی الشامی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۰) این‌گونه فهم کرد که امام از یک سو با توجه به نقش فعال و بی‌بدیل علی بن ابی طالب در غزوات عصر تنزیل، در صدد تبیین شأن و جایگاه رفیع ایشان بود و از سوی دیگر در مقابله با جریان داستان سرایی که بیشتر در خدمت نقل اخبار دوران جاهلیت قرار داشت، تقابل نظامی امویان دیروز با رسول خدا و صحابه را به مسلمانان یادآور می‌شد. ناگفته نماند که امام از یک سو کوشید با تبیین منزلت ائمه، جریان انحرافی غلو نسبت به شأن اهل بیت و تبلیغات امویان را در مُشوّه و زشت نمایاندن چهره شیعه و نیز دامن زدن آنان به انزجار و تنفر مسلمانان از شیعیان را با موضع‌گیری شفاف و قاطع طرد و خنثی سازد؛ از سوی دیگر آن حضرت بر خود بایسته می‌دید که برای افزایش بصیرت مسلمانان، به‌ویژه حجازیان و همسایگانش به حقوق امامت، فضل، برتری (صحیفه سجادیه، دعای ۲۶، بند: ۴) و جلب مؤدب آنان به اهل بیت (همان، دعای ۴۲، بند: ۱۶) راهبرد تبیین منزلت امام را در سیاست مبارزاتی و برنامه تربیت دینی خویش قرار دهد.

۲-۳-۴. غصب خلافت

امام سجاد، با توجه به قرابت زمانی به جد بزرگوارش، به حیث رتبه تاریخی، جزو «تابعین» بود؛ از این رو ماهیت و واقعیت «سقیفه» برای ایشان از زبان عمو و پدر شهیدشان که خود از شاهدان عینی حوادث پس از رحلت رسول خدا بودند کاملاً روشن بود^{۲۸} (الدینوری، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۰-۲۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۷). امام به‌غایت

۲۶. «نحنُ أئمةُ المسلمین و حُججُ الله علی العالمین و سادةُ المؤمنین و قادةُ الغر المحجلین و موالی المؤمنین، و نحن أمانُ أهل الأرض كما أنَّ النجوم أمان لأهل السماء و بنا يُمسك السماء أن تقع علی الأرض إلا بإذنه و بنا يُمسك الأرض أن تمید بأهلها و لم تخل الأرض منذ خلق الله الأرض من حجة لله مشهور أو غائب مستور و لا تخلو الأرض إلى أن تقوم الساعة من حجة الله فیها و لولا ذلك لم یعبد الله» (الفتال النیسابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۹۹؛ الکلینی الرازی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۳۱-۵۳۰).

۲۷. «کتنا نعلم مغازی رسول الله كما نعلم السورة من القرآن» (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۴۲؛ الصالحی الشامی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۰).

۲۸. «تحویل فعیده بیتک لیلا علی حمار و یداک فی یدئ ابنیک الحسن و الحسین یوم بویع ابوبکر الصدیق فلم تدع أحدا من أهل بدر و السوابق إلا دعوتهم إلى نفسک و مشیت إلیهم بامرائک و أدلیت إلیهم باینیک و استنصرتهم علی صاحب رسول الله فلم یجیبک

کوشید حقیقت خلافت را برای مسلمانان عصر خود که نسل دوم و سوم مسلمانان بودند و امویان آن را بر ایشان دگرگون ساخته بودند، تبیین نماید. آن گونه که خطاب به مؤمنان گوشزد کرد که مصیبت شما طاغوتان زمان هستند^{۲۹} (المفید، ۱۴۱۳ق «ب»: ۲۰۰).

حضرت به صراحت پرده از حقیقت برداشت؛ پروردگارا مقام امامت مخصوص خلفا و برگزیدگان توست، آنان که محل امانت تواند، در درجه عالی معرفت و رتبه اعلائی تقرب که تو آن رتبه را بدانان اختصاص دادی و آن را با حيله و فریب ربوندند... تا سرانجام برگزیدگان مغلوب و مقهور دشمنان شده، بنگرند که خلق فرمان تو را تبدیل و تغییر داده و کتاب و شریعت را پشت سر انداخته و احکام و واجبات تو را به کلی منحرف ساختند و سنن پیامبرت را رها کردند. خدایا بر دشمنان خلفایت از اولین و آخرین لعنت فرست و بر هر کس که راضی به فعل زشت آن‌ها باشد و از آن‌ها پیروی و با آنان همراهی کند^{۳۰} (صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، بند: ۱۰-۹).

امام روشن نمود با وجود اینکه رقیبان، به حق خلافت اهل البیت علم کامل داشتند (العطار، ۱۴۳۶ق: ۱۱۷)، اما حسادت آنان به شرافتی که خدای سبحان به ائمه ارزانی فرموده بود باعث ربودن خلافت از دست‌شان گردید^{۳۱} (همان: ۱۹۲). حضرت حق خود را در خلافت از دست رفته خواند^{۳۲} (همان: ۷۵)؛ و میعاد غاصبان را روز حساب دانست^{۳۳} (همان: ۸۶). امام سجاد هر گاه آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (التوبه، ۱۱۹) را تلاوت می‌فرمود بسیار دعا می‌کرد؛ این دعای امام کاشف از بدعت‌هایی بود که بدعت‌گذاران در دین داخل کرده بودند، یعنی کسانی که از ائمه دین و شجره نبوت کناره گرفتند. سپس می‌فرمود: دیگران درباره ما تقصیر کردند و برای توجیه عمل خلافشان، به متشابهات قرآن

منهْمُ إِلَّا أَرْبَعَةً أَوْ خَمْسَةً» (الدينوري، ۱۴۱۰ق، ج: ۱، ۲۹-۳۰؛ ابن ابی‌الحديد، ۱۴۰۴ق، ج: ۲، ۴۷).

۲۹. «أَتَيْهَا الْمُؤْمِنُونَ مُصِيبَتَكُمْ الطَّوَاعِيتُ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ» (المفید، ۱۴۱۳ق «ب»: ۲۰۰).

۳۰. «لِلَّهِمُ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِيُخْلَفَانِكَ وَأَصْفِيَانِكَ وَمَوَاضِعَ أَمْنَانِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَمْتَهُمْ بِهَا، قَدْ ابْتَرَوْهَا، ... حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَرِينَ، يَرُونَ حَكْمَكَ مَبْدَلًا وَكِتَابَكَ مَنبُودًا وَفَرَانِضَكَ مُخْرَفَةً عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً، اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، بند: ۱۰-۹).

۳۱. «وَمَا حَصَصْنَا بِهِ مِنَ الشَّرَفِ الطَّائِلِ بَيْنَ الْأَنَامِ أَفْتِنًا * يَحْكُمُ فِينَا وَ الْحَكْمُ فِيهِ لَنَا / جَادِنَا حَقَّنَا وَ غَاصِبِنَا» (العطار، ۱۴۳۶ق: ۱۹۲).

۳۲. «أَنَا نَجَلُ الْإِمَامِ مَا بَالُ حَقِّي / ضَائِعٌ بَيْنَ عَصْبَةِ الْأَعْلَاجِ» (العطار، ۱۴۳۶ق: ۷۵).

۳۳. «وَمَنْ كَانَ غَاصِبِنَا حَقَّنَا / فَيَوْمَ الْقِيَامَةِ مِعَادُهُ» (العطار، ۱۴۳۶ق: ۸۶).

استدلال کرده و طبق نظر خود، آن‌ها را تأویل و تفسیر نمودند و اخبار و سنت مسلم رسول الله را دربارهٔ ما مورد گفت‌وگو و ایراد قرار دادند^{۳۴} (ابن حجر هیثمی: ۱۸۱).

۲-۳-۵. ابلاغ پیام کربلا

پوشیده نیست که هر انقلابی دو چهره دارد: خون و پیام. بی تردید اگر اهمیت رکن دوم از رکن اول بیشتر نباشد، یقیناً کمتر نخواهد بود. اگر پیام خون یک انقلاب نتواند در گوش تاریخ پیچد، در همان قربانگاه خود دفن خواهد شد. این دیگر عناصر انقلاب هستند که باید رسالت تبلیغ اهداف انقلاب را به دوش کشند تا جاودانگی انقلاب تضمین شود. تدقیق در مراثی امام سجاد، حاکی از بینش سیاسی ایشان است. چه ایشان با هوشیاری تمام شکواییه‌های خود را خطاب به جد بزرگوارش رسول خدا سرود. در حقیقت امام با این روش، به مسلمانان فهماند، ایشان نه تنها مزد رسالت رسول خدا^{۳۵} را ضایع نمودند بلکه دست به کشتار و اسارت ایشان زدند. امام در مراثی: «أُنَاجِيكَ يَا جَدَّاهُ» (العطار، ۱۴۳۶ق: ۱۲۶-۱۲۷)، «الْكُ أَمْسُوا كَالِإِمَاءِ» (همان: ۱۲۸-۱۲۹)، «هَذِي النِّسَاءُ أَرَامُلُ» (همان: ۱۵۹)، «مَاذَا فَعَلْتُمْ» (همان: ۱۶۷-۱۶۶)، «يَا وَقَعَةَ الطَّفِّ» (همان: ۱۸۸-۱۸۹)، «أَوْلُنَا مُبْتَلَىٰ وَآخِرُنَا» (همان: ۱۹۱-۱۹۲) از ظلم‌ها و رنج‌هایی که در فقدان ایشان بر آنان رفته است، شکوه می‌کند و در مرثیه: «إِلَىٰ جَدَّنَا نَشْكُو» که بلندتر از مراثی مذکور است، دردمندان و قایع کربلا، از بر نیزه رفتن سر پدر شهیدش و غارت خیم، تا کیفیت اسارت و انتقال‌شان، بی‌مهری‌های مردم، جسارت و بی‌شرمی‌های یزید را به نظم می‌کشد (همان: ۴۵-۴۸).

امام در کنار بیان وقایع کربلا، پیوسته از سویدای دل بر مصیبت کربلا می‌گریست، آن‌گونه که در شمار یکی از «الْبُكَائُونَ الْخَمْسَةُ» درآمد (الحُرّ العاملی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۹۲۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۲۳۹). گریهٔ امام نیز خودبه‌خود موجب شد تا در موارد زیادی مردم دربارهٔ واقعه کربلا هوشیار شوند (جعفریان، ۱۳۹۰: ۳۲۲).

۳۴. «و ذهب آخرون إلى التخصير في أمرنا و أحتجوا بمتشابه القرآن فتناولوا بأرائهم و اتهموا مأثور الخبر» (ابن حجر هیثمی، بی‌تا: ۱۸۱).

۳۵. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (الشوری، ۲۳).

۲-۳-۶. بیان اضطرار خویش

امام سجاد با بیان مظلومیت اهل بیت، تظلم به رسول خدا و بیان وضعیت مضطر خویش، از یک سو از بی‌مهری‌های مسلمانان در حق «ذوی القربی» پرده برداشت و از سوی دیگر بی‌آنکه صریح از کسی نامی ببرد به مسلمانان توجه داد که جان وی که فرزند رسول خدا و امام زمان ایشان بود، در معرض خطر و دسیسه‌های پنهانی ستمگرانی سفاک است^{۳۶} (صحیفه سجادیه، دعای ۲۳، بند: ۸-۷-۶). ایشان در دعای با ماهیت «هنگامی که از ظالمان ستمی به وی می‌رسید»^{۳۷} (صحیفه سجادیه، دعای ۱۴، بند: ۷-۶-۵) و نیز دعای با مضمون «رفع کید و مکر دشمنان»^{۳۸} (همان، دعای ۴۹، بند: ۹-۸-۷-۴) به روشنی از تلاش دشمنان و سرکشان در زیر نظر گرفتن وی و گستراندن دام برای کشتن او و تفضل و عنایت خدای سبحان در حفاظت از خود سخن می‌گوید. آن گونه که حجاج بن یوسف ثقفی از کسانی بود که به عبدالملک پیشنه‌ها داد برای بقای خلافت خود، علی بن الحسین را از میان بردارد (المسعودی، ۴۲۶: ۱ ق؛ ۱۷۱؛ الأربلی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۶۵۳؛ ابن الصباغ، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۸۶۴-۸۶۳؛ الخُر العاملی، ۱۴۲۵ ق، ج ۴: ۷۲). امام سجاد از رهگذر تکیه بر مظلومیت اهل بیت و تقریر اضطرار خویش در پی نیل به سه هدف بود: تقریر حقیقت، جلب محبت و دوستی مسلمانان، تهییج غیرت و حمیت مسلمانان برای جهاد و تلاش در راستای اهداف و برنامه‌های اهل بیت^{۳۹} (القاضی التستری، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲: ۱۰۷؛ القندوزی الحنفی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۳۷۴).

۳۶. «و أَعْدَىٰ وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ غَنِيْدٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ مُتَرَفِّحٍ خَفِيْدٍ، اللَّهُمَّ وَ مِنْ أَرَادَنِي بِسَوْءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَ ادْخِرْ عَنِّي مَكْرَهُ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّهُ وَ رَدِّ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سَدًّا حَتَّىٰ تُعْمِيَ عَنِّي بَصْرَهُ وَ تُصِمَّ عَن ذِكْرِي سَمْعَهُ وَ تُقْفِلْ دُونَ إِخْطَارِي قَلْبَهُ وَ تُخْرِسَ عَنِّي لِسَانَهُ وَ تَقْمَعَ رَأْسَهُ وَ تُذِلَّ عِزَّهُ وَ تَكْسِرَ جَبْرُوتَهُ ...» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۳، بند: ۸-۷-۶).

۳۷. «إِذَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ» (صحیفه سجادیه، دعای ۱۴، بند: ۷-۶-۵).

۳۸. «دِفَاعُ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ وَ رَدُّ بَأْسِهِمْ» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۹، بند: ۹-۸-۷-۴).

۳۹. «إِنَّمَا شِيعَتُنَا مَنْ جَاهِدَ فِينَا وَ مَنَعَ مَنْ ظَلَمْنَا حَتَّىٰ يَأْخُذَ اللَّهُ لَنَا حَقَّنَا» (القاضی التستری، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲: ۱۰۷؛ القندوزی الحنفی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۳۷۴).

۳. نتیجه گیری

با شهادت امام حسین، رسالت انتقال پیام انقلاب ایشان، به عهدۀ علی بن الحسین و حضرت زینب قرار گرفت. بی تردید امام پس از واقعه کربلا هدف سوء ظن امویان و در نتیجه به شدت زیر نظر بود؛ از این رو ایشان مکلف به رعایت لوازم تقیه شد. با وجود این، حضرت هرگز دست از مبارزه سیاسی برنداشت. ایشان بر خلاف مبارزه مثبت پدر شهیدش، کوشید از رهگذر مبارزه منفی یعنی بیدار ساختن مردم و اهتمام بر رسوایی باطل، حقیقت را نمایان سازد. امام از رهگذر دعا و شعر موفق به طرح و بازتولید مفاهیم دینی و سیاسی شد. علی بن الحسین کوشید با طرح مسائلی معادگرایی، امامت و رسالت امام، منزلت امام، غصب خلافت، ابلاغ پیام کربلا و اضطراب خویش، وجدان خفته جامعه را بیدار سازد. امام سجاد در شرایطی که پس از شهادت امام حسین یکی از نخستین حیرت‌ها در درون جامعه شیعی رخ نمود و در نتیجه این حیرت بخش عظیمی از شیعیان به عامه پیوستند، به گونه‌ای که تصور نابودی اساس تشیع می‌رفت، فعالیت تبلیغی و ترویجی اسلام را از نو شروع کرد و موفق شد مردم را به سوی اهل بیت (علیهم السلام) متمایل سازد و زمینه را برای فعالیت صادقین (علیهم السلام) در تثبیت اصول حَقَّانِیَّت و مشروعِیَّت ائمه در مفهوم خلافت و وراثت پیامبر، مهیا ساخت. امام سجاد (علیه السلام) برای رسیدن به این مهم، از روش دعا و شعر استفاده نمود تا دیگر بار با بازسازی معنوی جامعه شیعه به طور خاص و یادآوری آموزه‌های آیین محمدی به همه مسلمانان به طور عام، مردم روزگار خود را با اولیای دین و خداپرستی راستین آشنا سازد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۹۰). تدوین الشریف الرضی محمد بن الحسین. چاپ دوازدهم. مشهد مقدس: به نشر انتشارات آستان قدس رضوی
- الصحیفة السجادية، علی بن الحسین زین العابدین. (۱۳۸۷). چاپ سوم. مشهد مقدس: به نشر انتشارات آستان قدس رضوی.
- الأربلی، أبی الحسن علی بن عیسی. (۱۴۲۱ق). كشف العُمة فی معرفة الأئمة. قدم له السيد احمد الحسينی. قم: الشریف الرضی.
- الأمین، سید محسن. (۱۴۲۶ق). الشيعة فی مسارههم التاريخی. تحقیق مركز الغدير للدراسات الإسلامية. الطبعة الثانية. قم: دائره المعارف الفقه الإسلامی.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ق). علل الشرائع. النجف: المكتبة الحيدرية.
- ابن حجر هبشمی، احمد بن محمد. (بی تا). الصواعق المُحرقة فی الرد علی أهل البدع و الزندقه. تهران: بی نا.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی. (۱۴۱۰ق). الطبقات الكبرى. تحقیق محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۳۸۷). تحف القول عن آل الرُّسول. ترجمه صادق حسن زاده. چاپ نهم. قم: آل علی.
- ابن الصباغ، علی بن محمد بن احمد المالکی. (۱۴۲۲ق). الفُصول المُهمّة فی معرفة الأئمة. تحقیق سامی الغُریری. قم: دار الحدیث.
- ابن عبد ربّه، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). العقد الفَرید. تحقیق عبدالمجید الرّحینی. الطبعة الثالثة. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر. (۱۴۰۷ق). البداية و النهاية. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۹ق). مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر. تحقیق احمد راتب حموش و محمد ناجی العمر. دمشق: دار الفکر.
- ابوالفرج الأصفهانی، علی بن الحسین. (بی تا). مقاتل الطالبیین. تحقیق سید احمد صقر. بیروت: دار المعرفه.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). أنساب الأشراف. تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
- تقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد. (۱۴۱۰ق). الغارات. تحقیق سیدعبدالزهره حسینی. بی جا: دارالکتاب الاسلامی.
- الجاحظ، عمرو بن بحر. (۱۴۲۴ق). الحیوان. تحشیه محمد باسیل عیون السُود. الطبعة الثانية. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جعفریان، رسول. (۱۳۹۰). حیات فکری سیاسی امامان شیعه. تهران: نشر علم.
- الحاج حسن، حسین. (بی تا). الإمام السجّاد جهاد و أمجاد. بیروت: دار المرتضى.

- الخُر العاملي، محمد بن الحسن. (١٣٧٣). وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. تصحيح عبدالرحيم الرباني الشيرازي. طهران: المكتبة الإسلامية.
- _____ (١٤٢٥ق). إثبات الهداة بالآصوص والمعجزات. خرّج أحاديثه علا الدين الأعلمي. بيروت: الأعلمي للمطبوعات.
- الحسني، هاشم معروف. (١٤١٠ق). الإنتفاضات الشيعة عبر التاريخ. بيروت: دار المعارف للمطبوعات.
- الحسيني الجلالی، السيد محمد رضا. (١٤١٣ق). جهاد الإمام السجاد زين العابدين. قم: المطبعة أمير الدينوري، عبدالله بن مسلم بن قتيبه. (١٤١٠ق) الإمامة والسياسة. تحقيق على شيرى. بيروت: دار الأضواء.
- ذهبي، شمس الدين. (١٤١٣ق). تاريخ الإسلام. تحقيق عمر عبدالسلام تدمري. الطبعة الثانية. بيروت: دار الكتاب العربي.
- _____ (١٤١٤ق). سير أعلام النبلاء. تحقيق شعيب الأرنؤوط و مأمون الصّاغرجي. الطبعة العاشرة. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- سيط ابن الجوزي، يوسف. (١٤٢٦ق). تذكرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الأئمة. تحقيق حسين تقى زاده. قم: للمجمع العالمي لأهل البيت.
- شهيدى، سيد جعفر. (١٣٧١). زندگانی علی بن الحسين. چاپ چهارم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
- الصالحى الشامى، محمد بن يوسف. (١٤١٤ق). سبل الهدى و الرّشاد فى سيرة خير العباد. تحقيق عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ضيف، شوقى. (١٩٦٣م). تاريخ الأدب العربى (العصر الإسلامى). الطبعة السابعة. القاهرة: دار المعارف.
- العاملي، سيد جعفر مرتضى. (١٤٠٩ق). دراسات و بحوث فى التاريخ و الإسلام (الإمام السّجاد باعث الإسلام من جديد). الطبعة الثانية. قم: النشر الإسلامى.
- الطار، قيس بهجت. (١٤٣٦ق). الديوان المنسوب إلى الإمام السّجاد. تحقيق و شرح قيس الطار. تصحيح قاسم البغدادي. قم: للمجمع العالمي لأهل البيت.
- العطية، ماجد بن احمد. (١٤٢٣ق). ديوان الإمام السّجاد (تمهيد ديوان). تحقيق ماجد العطية. بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
- الفتال النيسابورى. محمد بن احمد. (١٣٧٥). روضة الواعظين. قم: الشريف الرضى.
- فروخ، عمر. (٢٠٠٦). تاريخ الأدب العربى «الأدب القديم من مطلع الجاهليّة إلى سقوط الدّولة الأمويّة». الطبعة الثامنة. بيروت: دار العلم للملايين.
- القاضى التّستري، السيد نورالله بن شريف الدين. (١٤٠٩ق). إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل. تعليق سيد شهاب الدين النجفي. قم: مكتبة آية الله المرعشى.
- القاضى نعمان، ابى حنيفة نعمان بن محمد التميمي. (بى تا). دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام عن أهل بيت رسول الله. تحقيق آصف فيضى. قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- القندوزى الحنفى، سليمان بن ابراهيم. (١٤٢٢ق). ينابيع المودة لذوى القربى. تحقيق سيد على جمال اشرف الحسينى. الطبعة الثانية. قم: دار الأسوه.
- الكشّى، محمد بن عمر. (١٤٠٤ق). إختيار معرفة الرجال، المعروف برجال الكشّى. تلخيص محمد بن حسن طوسى.

تصحیح محمدباقر بن محمد میرداماد. تحقیق سید مهدی الرجائی. قم: مؤسسه آل البيت لإحیاء التراث. الکلبینی الرازی، اَبی جعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الأصول من الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

محمدجعفری، سید حسین. (۱۳۷۴). تشیع در مسیر تاریخ. ترجمه سید محمدتقی آیت اللهی. چاپ هشتم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

المدرسی، السید محمد تقی. (۱۴۳۱ق). الإمام السجاد قُدوه و أسوه. الطبعة الثانية. بیروت: مرکز العصر للثقافة و النشر. المسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین. (۱۴۲۶ق). إثبات الوصیة للإمام علی بن اَبی طالب. الطبعة الثالثة. قم: أنصاریان. المفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق «الف»). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.

_____ . (۱۴۱۳ق «ب»). الأمالی. قم: کنگره شیخ مفید.

المقریزی، احمد بن علی. (۱۴۲۰ق). إمتاع الأسماع للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع. تحقیق محمد عبدالحمید النمسی. بیروت: دار الکتب العلمیة.

النشار، علی سامی. (۱۹۹۷). نشأة الفكر الفلسفی فی الإسلام. الطبعة الثامنة. القاهرة: دارالمعارف.

نویختی، حسن بن موسی. (۱۳۵۵ق). فرق الشیعة: نجف: المکتبة المرتضویة.